



شنبه

۲۰ بهمن ۱۴۰۰
 ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲
 ۲۲ زانویه ۲۰۲۲
 سال چهارم • شماره ۷۷۴

یادداشت

ضرورت ریشه یابی تعطیلی معادن



محمد رضا نعمت‌الهی
 فعال معدنی

بر اساس ماده ۲۰ قانون معدن، دولت می‌تواند برای خلع ید بهره‌برداران غیرفعال اقدام کند. به عبارت دیگر، اگر معدن به هر دلیل تعطیل باشند، مجوز و پروانه‌های معدنی صاحبان آنها لغو و معدن به دیگر فعالان معدنی واگذار می‌شود. اما حلقه گمشده اجرایی شدن این قانون، عدم بررسی دلیل اصلی تعطیلی معادن است.

نداشتن توان فنی و مالی، عدم پیگیری مجوزهای مربوطه و دیگر قصورانی که از شخص معدنکار سرمی‌زنند، از مواردی است که مناسب است ماده ۲۰ قانون معدن درباره آنها اجرایی شود. به بیانی دیگر، متولی معدن در صورت کم‌کاری مستحق خلع ید بوده و در این شرایط باید محدوده یا معدن مذکور از طریق مزایده به دیگر متقاضیان واگذار شود. اگر پس از بررسی علل رکود معدن، دلایل به دست آمده مواردی غیر از قصور شخصی معدنکار و صاحب مجوز بود، در این شرایط خلع ید معدن‌دار نه تنها به نفع بخش معدن نبوده بلکه امکان فعالیت منصفانه در این حوزه از فعالان معدنی سلب خواهد شد. غیر از خلأهای اطلاعاتی در بخش معدن مانند نقص اکتشافات معدنی در محدوده‌های مورد بررسی، مشکلات اقتصادی از جمله دلایل اصلی رکود معدن به شمار می‌روند. نبود بازار مناسب داخلی و خارجی برای تولیدات بخش معدن، افزایش محدودیت‌های صادراتی، رشد چشمگیر حقوق دولتی پرداختی معادن، ورشکستگی صاحبان معدن در پی بروز تورم فزاینده در جامعه همه از جمله دلایل اقتصادی مهمی بوده که ارتباط مستقیمی با قصور شخصی معدن‌دار ندارد.

باید بر این نکته تأکید کرد که اتخاذ تصمیمات مهم و قوانین راهبردی در بخش معدن، نیازمند اطلاعات مناسب در فعالیت‌های بخش معدن و همچنین در نظر گرفتن ابعاد متعدد معدنکاری در ایران است. به عبارتی، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط فعالیت معادن و همچنین اوضاع اقتصادی کشور به تصمیم‌گیری و قضاوت درباره معدن پرداخت چراکه فقط در این شرایط می‌توان انتظار وضع قوانین مناسب و کارشناسی شده را از دولت داشت. در زمینه اجرایی شدن ماده ۲۰ قانون معدن نیز دولت باید تحقیقات کامل درباره هر معدن غیرفعال انجام دهد و سپس بسته به شرایط هر معدن اقدامات مقتضی صورت گیرد. وظیفه بررسی معادن برعهده سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت هر استان بوده و این سازمان‌ها می‌توانند ضمن جمع‌آوری و کسب اطلاعات جامع از وضعیت معدن هر منطقه، به نهادهای دولتی برای تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و اجرای آن کمک کنند. در این شرایط ضمن جلوگیری از وضع قوانین متعدد و بخشنامه‌های متناقض برای هر موضوع، مواد قانونی نیز در شرایط بهتر و عادلانه‌تری اجرا خواهند شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت هر استان می‌توانند از نظر فنی و کارشناسی صلاحیت صاحبان معدن و دارندگان مجوزهای معدنی را بررسی کنند. بررسی‌های فنی این‌چنینی نوعی حمایت از معدنکاران و صاحبان معدن به حساب می‌آید چراکه در سال‌های گذشته بارها دیده شده معدنکاران با وجود تلاش‌های فراوان برای راه‌اندازی معادن و بهره‌گیری پهنه‌های معدنی خود، ناتوان در این زمینه بوده و پس از مدتی با اجرای ماده ۲۰ قانون معدن، سلب صلاحیت شدند. این را می‌توان نوعی بی‌عدالتی در تصمیم‌گیری‌های معدنی عنوان کرد که در چند سال اخیر رخ داده است. به نظر می‌رسد نهادهای دولتی برای استمرار روند فعالیت معادن و توسعه بخش معدن و در ادامه رونق صنایع معدنی، بیش از پیش به نحوه اجرای قوانین توجه کرده و با اصلاح برخی بخشنامه‌ها و تصمیمات مخرب، در جهت حمایت از فعالان بخش معدنی کوشا باشند.



عکس: روزگار معدن

و به فعالیت معدنکاران سمت‌وسو بخشد. و افزود: با رویکردی که تا به امروز نهادهای دولتی در پیش گرفته‌اند (اعم از مسائل مدیریتی و قانون‌گذاری) اگر رویه موجود تغییر نکند شاهد هیچ پیشرفت و توسعه‌ای در بخش معدن و همچنین صنایع معدنی نخواهیم بود.

تزلزل فضای کاری معدنکاران

عسکرزاده در ادامه به توضیح مشکلات موجود در بخش مدیریت و نقش نهادهای دولتی در بخش معدن پرداخت و مهم‌ترین نقص آنها را بی‌ثباتی خواند. او در این باره گفت: متأسفانه می‌توان گفت در برخی نهادها و سازمان‌های متولی بخش معدن، جایگاه‌ها و مسئولیت‌ها به صورت کامل تبیین نشده است. حتی در صورت مشخص بودن نیز نوعی بی‌نظمی در اجرای وظایف دیده می‌شود.

وی افزود: در ادامه نیز متاثر از همین آشفتگی‌های مدیریتی، تصمیمات به صورت جدی و منسجم مطابق با قوانین بالادستی و منطبق با نیازهای وضعیت فعلی اخذ نمی‌شوند. همین موضوع نیز مشکلات متعدد بسیاری را برای فعالان معدن و صنایع معدنی به وجود می‌آورد. به گفته عسکرزاده، در این شرایط معمولاً باقی نهادها برای پوشش این ضعف و بازگشت ثبات به بخش مهمی از اقتصاد کشور، وارد شده و به تکاپو افتاده و به بهانه تنظیم‌گری بازار، به آشفتگی شرایط دامن می‌زنند. وی در ادامه افزود: رخ دادن چنین اتفاقاتی و متزلزل کردن فضای کاری برای معدنکاران، از مسائلی است که بخش معدن را برای دستیابی به توسعه پایدار بازداشته و باید به آن رسیدگی شود. به عبارتی، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های امروز فعالان معدنی، بازگشت ثبات به نهادهای دولتی این بخش است چراکه طی سال‌های اخیر جامعه معدنی کشور به‌شدت از این بی‌ثباتی دچار مشکل شده است. همچنین ورود به مشکلات معدنکاران با معارضان محلی، تجدیدنظر در وضع قیمت‌گذاری‌های دستوری و در نهایت پرهیز از تدوین قوانین خلق‌الساعه مهم‌ترین خواسته فعالان معدنی از نهادهای دولتی است.

سخن پایانی

اصلاح رویکرد دولت و بکارگیری مشاوران معدنی در تصمیم‌سازی‌های این حوزه می‌تواند ضمن کاهش آسیب‌ها بر بدنه فعالیت معدنی، کشور را در درآمدهای معدن و زنجیره‌های وابسته به آن بهره‌مند سازد. به همین دلیل گلايه فعالان معدنی و کارشناسان اقتصاد از بی‌توجهی نهادهای دولتی به بخش معدن و صنایع معدنی کشور، اعتراضی به حق بوده که نباید از کنار آن به‌راحتی عبور کرد. از سوی دیگر، وضع و اجرای شتاب‌زده قوانین نه تنها به رفع مشکلات کمک کرده بلکه به افزایش چالش‌های معدنکاری منجر خواهد شد.

آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر از جمله بیماران، کودکان، بانوان، بزه‌کاران، معنادران با ایجاد پیش‌نیازهای بهبودی و تقویت توانایی آنان، ایجاد ظرفیت اشتغال‌گردشگری و در کل عدم ایجاد وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی معدن با گسترش کسب‌وکارهای غیرمعدنی محلی از دیگر موارد سرمایه‌گذاری بر مردم است.

توجه به تمایز معادن

این فعال معدنی اصلاح رویکرد نهادهای دولتی در برابر اتخاذ تصمیمات مهم و تدوین طرح‌هایی که تعامل با مردم بخشی از آن است را یک ضرورت دانست و گفت: افزایش انتفاع مردم از ثروت‌های ملی در تمامی عرصه‌های اقتصادی، یک اصل مهم برای توسعه شناخته می‌شود. اما توسعه جوامع به‌ویژه بهبودی اقتصاد مناطق اطراف معادن، نیازمند مطالعات اجتماعی در حوزه تحت تأثیر فعالیت‌های معدنی است. همچنین باید توجه داشت شرایط هر معدنی با معدنی دیگر متفاوت است و نهادهای دولتی متولی بخش معدن و تصمیم‌سازان این عرصه (جمله دولت و مجلس شورای اسلامی و...) به کل از آن غافل هستند. از این رو، امروز در یک چشم به‌هم زدن قوانین خلق‌الساعه وضع می‌کنند. نمونه آن هم طرح افزایش انتفاع ناگهانی، انفجاری، سریع و دستوری مردم محلی از معادن همجوار خود است که می‌توان گفت این طرح نه تنها سود برای مردم نداشت بلکه فاجعه‌آفرین خواهد بود.

ضعف ثبات در جایگاه‌های مدیریتی

مهم‌ترین گلايه فعالان معدنی در زمینه اجرای طرح‌های معدنی از سوی نهادهای دولتی، خلاق‌الساعه بودن و بی‌ثباتی آنهاست. بنابر نظر برخی کارشناسان و فعالان معدنی، بی‌ثباتی قوانین و نبود بستر مناسب برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، یکی از مواردی است که بخش معدن را از دست‌یابی به توسعه پایدار بازمی‌دارد. سعید عسکرزاده، دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران کمبود ثبات در جایگاه‌های مدیریتی نهادهای دولتی معدنی را موارد مخرب برای بخش معدن توصیف کرد. او در گفت‌وگو با «روزگار معدن» ضمن اشاره به برخی گلايه‌ها مبنی‌بر پیامدهای منفی تصمیمات شتاب‌زده و تأثیرات منفی آن بر روند معدنکاری کشور، شرایط را برای آینده معادن متزلزل معرفی کرد و گفت: مدیریت بخش معدنی اعم از نهادهای قانون‌گذار، دولت و از سوی دیگر، بخش اجرایی متشکل از معدنکار، سرمایه‌گذار و متخصصان، از ارکان مهم بخش معدن کشور به شمار می‌آیند. رویکرد هر یک از اعضای این رکن می‌تواند در آینده معدن موثر بوده



هشدار کارشناسان نسبت به طرح واگذاری سهام معدن به مردم محلی:

مسیر توسعه معادن ناهموار می‌شود

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های امروز فعالان معدنی، بازگشت ثبات به نهادهای دولتی این بخش است چراکه بی‌ثباتی دچار مشکل شده است

متأسفانه هیچ آمار و گزارش دقیق و جامعی از فعالیت‌های اجتماعی معدنکاران تهیه و منتشر نشده است. این موضوع سبب شده مقامات مسئول به شبهات آن افزوده می‌شود. از جمله شبهات موجود می‌توان به این موضوعات اشاره کرد که تا چه شعاعی از یک معدن، نقاط جمعیتی، تحت تأثیر معدنکاری درنظر گرفته می‌شوند؟ آیا واگذاری ۴۰ درصد از معدن به صورت شراکت است؟ یعنی اگر مردم محلی ۴۰ درصد در یک معدن شریک شوند، شریک هزینه و زیان هم هستند یا فقط ۴۰ درصد از سود معدن بین مردم محلی تقسیم خواهد شد؟ این کارشناس معدن در ادامه سخنان خود به روش‌های رسمی، صحیح و جهانی مدیریت بخش معدن اشاره کرد و توضیح داد: طبق مطالعات جهانی از سوی موسسات معتبری چون IFC بدترین شیوه مدیریت اجتماعی معدنی پرداخت پول نقد به مردم محلی است زیرا ایجاد جریان مالی مستقیم از سوی معدن به سمت مردم محلی پیامدهای فاجعه‌باری خواهد داشت؛ از جمله آنکه ممکن است جمعیت جوان‌تر نقاط جمعیتی مجاور معدن از ایجاد کسب‌وکار و درآمدزایی منصرف شوند و دریافت پول نقد از معدن برای‌شان لذت‌بخش‌تر از انجام فعالیت‌های اشتغالی باشد. همچنین ممکن است به زیاده‌خواهی روی آورند زیرا از ریسک و زحمت معدنکاری اطلاع نداشته و تنها افزایش درآمد از معدن برای آن‌ها تبدیل به اولویت شود.

این فعال معدنی در ادامه به مشکلات قانونی اجرایی شدن این طرح اشاره کرد و گفت: طبق قوانین و مقررات موجود، وزارت صنعت، معدن و تجارت تنها دارنده پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان فرد مسئول می‌شناسد. از طرفی، واگذاری دانگ یا سهام از معدنی که بهره‌بردار آنها شخص حقیقی است، از دید مقررات معدنی مردود است؛ بنابراین می‌توان گفت اجرایی شدن طرح واگذاری سهامی از معدن به مردم ساکن مناطق معدنی، با قوانین موجود مغایرت داشته و در تناقض قرار دارد. از دلایل مهم این طرح، افزایش انتفاع مردم از سود معدنکاری است. اما باید به این نکته اشاره کرد که معدنکاران در تمامی طول فعالیت معدنی خود مسئولیت‌های اجتماعی خود را حتی بیشتر از حد انتظار برای مناطق مسکونی اطراف معدن انجام داده‌اند. اما

مردم ساکن مناطق محلی یک بحث بسیار جدی است که تاکنون نه تنها شفاف‌سازی نشده، بلکه روزبه‌روز با اظهارنظرهای مختلف مقامات مسئول به شبهات آن افزوده می‌شود. از جمله شبهات موجود می‌توان به این موضوعات اشاره کرد که تا چه شعاعی از یک معدن، نقاط جمعیتی، تحت تأثیر معدنکاری درنظر گرفته می‌شوند؟ آیا واگذاری ۴۰ درصد از معدن به صورت شراکت است؟ یعنی اگر مردم محلی ۴۰ درصد در یک معدن شریک شوند، شریک هزینه و زیان هم هستند یا فقط ۴۰ درصد از سود معدن بین مردم محلی تقسیم خواهد شد؟

این کارشناس معدن در ادامه سخنان خود به روش‌های رسمی، صحیح و جهانی مدیریت بخش معدن اشاره کرد و توضیح داد: طبق مطالعات جهانی از سوی موسسات معتبری چون IFC بدترین شیوه مدیریت اجتماعی معدنی پرداخت پول نقد به مردم محلی است زیرا ایجاد جریان مالی مستقیم از سوی معدن به سمت مردم محلی پیامدهای فاجعه‌باری خواهد داشت؛ از جمله آنکه ممکن است جمعیت جوان‌تر نقاط جمعیتی مجاور معدن از ایجاد کسب‌وکار و درآمدزایی منصرف شوند و دریافت پول نقد از معدن برای‌شان لذت‌بخش‌تر از انجام فعالیت‌های اشتغالی باشد. همچنین ممکن است به زیاده‌خواهی روی آورند زیرا از ریسک و زحمت معدنکاری اطلاع نداشته و تنها افزایش درآمد از معدن برای آن‌ها تبدیل به اولویت شود.

این فعال معدنی در ادامه به مشکلات قانونی اجرایی شدن این طرح اشاره کرد و گفت: طبق قوانین و مقررات موجود، وزارت صنعت، معدن و تجارت تنها دارنده پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان فرد مسئول می‌شناسد. از طرفی، واگذاری دانگ یا سهام از معدنی که بهره‌بردار آنها شخص حقیقی است، از دید مقررات معدنی مردود است؛ بنابراین می‌توان گفت اجرایی شدن طرح واگذاری سهامی از معدن به مردم ساکن مناطق معدنی، با قوانین موجود مغایرت داشته و در تناقض قرار دارد. از دلایل مهم این طرح، افزایش انتفاع مردم از سود معدنکاری است. اما باید به این نکته اشاره کرد که معدنکاران در تمامی طول فعالیت معدنی خود مسئولیت‌های اجتماعی خود را حتی بیشتر از حد انتظار برای مناطق مسکونی اطراف معدن انجام داده‌اند. اما

ملیکا انصاری

واگذاری ۴۰ درصد از سهام معدن به ساکنان مناطق معدنی، شرطی است که وزارت صنعت، معدن و تجارت در واگذاری معادن به فعالان معدنی از طریق مزایده اعلام کرده است. تاکنون دو معدن در روند واگذاری به فعالان معدنی، مشمول این طرح شده‌اند. این طرح در نگاه نخست می‌تواند همسو با نظرات افزایش انتفاع مردم از سود فعالیت‌های معدنی باشد اما در ادامه شبهات، خلأها، تناقضات و چالش‌های این طرح بیشتر به چشم می‌خورد. نحوه تعیین حدود مناطقی که جزو محدوده‌های معدنی به شمار می‌روند، نحوه اختصاص سهام به مردم و میزانی که به هر شخص تعلق خواهد گرفت و انتفاع سایر مردم کشور از معدن هر منطقه ازجمله این شبهات هستند و سوالات پاپهای مهم هستند. همچنین از سوی دیگر، آیا این کار منجر به کاهش تعارض معدنکاران با معارضان محلی خواهد شد یا آتشی دیگر در میان روابط این دو خواهد انداخت؟ در راستای تمامی سوالات مطرح‌شده، «روزگار معدن» با کارشناسان و فعالان معدنی به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه شرح آن را می‌خوانید:

بهره‌وری عمومی از ثروت ملی

آیدین زینال‌زاده، کارشناس و فعال معدنی در گفت‌وگو با



«روزگار معدن» در ابتدای سخنان خود به اهمیت بکارگیری صحیح منابع ملی در رشد و توسعه کشورها اشاره کرد. او درباره سیاست کشورهای معدنی در نحوه مدیریت بخش معدن خود گفت: ثروت‌های ملی در هر کشوری اساس و پایه اقتصاد محرک محسوب می‌شوند؛ به نحوی که روزبه‌روز بر اهمیت استفاده از آنها افزوده شده و کاربردهای بیشتری از این ثروت‌ها در اقتصاد جوامع شناخته می‌شود. منابع ملی چون نفت، گاز و منابع معدنی، از دسته همان ثروت‌ها است و در این بین متولیان نفت و گاز در کشورهای مختلف در قالب شرکت‌های ملی نفت یا گاز با مدیریت دولتی هستند. در برخی از کشورها نیز این شرکت‌ها جزو ارکان اصلی درآمد‌های ملی درآمده‌اند اما بحث معادن و مواد معدنی اندکی متفاوت است. درک رو به رشد طبیعت بلندمدت معدنکاری و مشاهده ظرفیت تولید ثروت معادن امروز تقریباً به‌تکامل رسیده و دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید سیاست‌هایی در جهت انتفاع بهینه از منابع و ذخایر معدنی اتخاذ کنند. وی ادامه داد: در تمامی کشورها دولت‌ها حسب وضعیت سیاسی وقت و با توجه به وضعیت اقتصادی مواد معدنی، تمایل بسیار زیادی به استفاده حداکثری از سود مالی معادن از خود نشان داده‌اند اما واکنش آنها به تبعیت از سیستم حکومت سیاسی، تفاوت‌های اساسی با یکدیگر داشته است. برخی مستقیم به ملی‌سازی بخش معدن روی آورده و برخی کنترل دولتی را انتخاب کرده‌اند. برخی به نام کنترل دولتی بخش معدن، برنامه‌ریز مالکیت دولتی بوده و برخی نام شبه‌دولتی را خصوصی‌سازی گذاشتند. برخی دیگر معادن را به نام خصوصی‌سازی، مجدد دولتی کرده و به این ترتیب رویکردهای مختلفی در این زمینه اتخاذ شده است.

شبهات بسیار است

زینال‌زاده واگذاری سهمی از معدن به اهالی مناطق معدنی را موضوعی با اهمیت و دارای زوایای متعدد عنوان کرد و گفت: متأسفانه رویکرد نهادهای دولتی ایران درباره بخش معدن نادرست بوده به معادن به چشم خزانه دولت نگاه می‌شود، در صورتی که دولت و مجلس معدن را به چشم بخشی از خزانه می‌بینند، در حالی که منابع معدنی جزو انفال عمومی بوده و متعلق به تمام ایرانیان است. اعلام واگذاری ۴۰ درصد از معدن به

آخرین اخبار و تازه‌ترین تحلیل‌ها را در پایگاه خبری «گسترش نیوز» دنبال کنید